

تهش که چی؟!

روز اول نه، ولی احتمالا یکی دو ماه ابتدایی دانشگاه اگر همه ۱۲ سال تحصیلی ات را رویای دانشگاه رفتن داشته باشی، یک سؤال بیخ گلویت را می‌گیرد. گاهی جایی وسط دوییدن‌های روزمره، وسط راه می‌ایستی و احساس می‌کنی قدم بعدی وجود ندارد! دیگر حال ادامه دادن نداری و نمی‌دانی کدام سمتی باید بروی! این ایست، نه نگران‌کننده است و نه منحصر به جغرافیای ایران. این سؤال را هر آدمی که در مسیر رشد است چند بار از خودش می‌پرسد و دوایش هم یک دور بررسی مجدد مسیر است. آدم‌ها معمولا برای طی کردن پله‌های ترقی به دانشگاه می‌آیند اما دیر یا زود از خود می‌پرسند که آیا دانشگاه، پله محکمی برای پیشرفت است یا دوری باطل برای پاس کردن جزوات تجویزی اساتید است و سراسر کیک؟! دانشجوی برقی که بلد نیست لامپ اتاقش را عوض کند و جامعه‌شناسی که نظریه‌های کانت و دکارت را از بر است، ولی راهکاری برای باز کردن گرهی از جامعه ندارد. اینها سؤالات بی جواب است و پاسخ‌های بسیاری دارد. چرا که راه حلش در هیچ کتابی پیدا نمی‌شود و باید میان تجربه‌های زندگی دنبالش گشت. سیدمحمدصادق کشاورزی، رتبه ۲ کنکور ریاضی ۹۸ هم وسط راهروهای دانشگاه شریف، این تجربه را داشته.

تجربه‌هایی که در مستند دیوانگی روایت شده و چراغ راهی است برای ادامه مسیر. مستندی که عنوان پرمخاطب‌ترین مستند یازدهمین دوره جشنواره عمار را به دست آورده. این مستند در سال ۹۷ ساخته و اکران شد و در مدارس و دانشگاه‌ها و کانون‌های فرهنگی و... اکران می‌شد و روی زبان‌ها بود و گفتمانی تازه را به وجود آورد.

گفتمانی که دیوانگی، آرمان او بود و فردگرایی را به رسمیت نمی‌شناخت و سرش درد می‌کرد برای دغدغه‌های بزرگ و آزاد هنده. گفتمانی که از سر و ته دانشگاه، تصویری تازه به مخاطب معرفی کرد و رویا و هدفی جدید عرضه کرد. همان چیزی که نوجوان و جوان امروز به آن نیاز داشت. سیدآرمین حقیقت، نویسنده این مستند در مصاحبه‌ای گفته: دانشجویان پس از این که وارد دانشگاه می‌شوند برایشان سؤال پیش می‌آید که باید چه کنند. شاید فضای دانشگاه با تصورات خیلی از ما متفاوت باشد برای همین ما سراغ رتبه ۲ کنکور رفتیم. شخصی که وارد دانشگاه می‌شود، اما می‌بیند آن طور که فکر می‌کرد، نیست. به همین دلیل بت دانشگاه در ذهن او می‌شکند و به این فکر می‌کند حالا من باید چکار کنم؛ بنابراین سراغ آدم‌های مختلف می‌رود تا بداند به چه سمت و سویی باید حرکت کند. تو چطور؟ تا حالا به تهش فکر کرده‌ای؟ ته این کتاب‌های تست و کنکور و درس و دانشگاه چیست؟ بیا این بار جور دیگری درس بخوان. به ته این دور - شاید - باطل بیشتر فکر کن. دلا دیوانه شو دیوانگی هم عالمی دارد.



دانشجوی بی پول

«دانشجویان پول خرید کتاب ندارند» تیتري عجیب و غریب اما واقعی در زندگی دانشجویی است.

این جمله، در میانه‌های نمایشگاه کتاب پارسال خیلی دهان به دهان چرخید. فاطمه طاری، به عنوان خبرنگار بین‌گرفته‌های نشرهای دانشگاهی گشت و گذاری کرد و در مورد میزان فروش آنها در روزهای نمایشگاه مصاحبه کرده بود. تقریبا تمام انتشارات دانشگاهی مستقر در نمایشگاه کتاب از آمار پایین فروش در حد پنج جلد تا ۱۲۰ جلد در پنج روز ابتدایی حرف زدند. از عوامل اقتصادی که بگذریم، سؤال اساسی این است که دانشجو اگر نتواند کتاب بخواند، پس چطور باید دانش را بجوید؟ چند سال است که موضوع تولید ثروت از علم جزو مهم‌ترین دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب شده است. ایشان توصیه می‌کنند باید ورود به این مسیر را هدف قرار بدهیم تا عزت ملی بیشتر تقویت شود. اما راه‌ها چقدر برای دانشجویان باز شده تا بتوانند روی کسب علم سرمایه‌گذاری کنند؟ علم و ثروت، رابطه‌ای دوسویه دارند. نمی‌توان از دانشجو انتظار داشت ثروت بسازد، پیش از آن که سرمایه مورد نیاز برای کسب علم را در اختیار آن قرار داده باشند. دولت چه مقدار در برداشتن ریشه‌های موانع این مسیر اقدام کرده و چه برنامه‌هایی دارد؟ آیا یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های یک دولت انقلابی، اجرایی کردن سیاست‌هایی که رهبر فرزانه تعیین کرده، نیست؟ اکنون کتاب، اولویت چندم فهرست خرید دانشجویان است؟ وزرای محترم علوم، بهداشت و ارشاد می‌توانند توضیح دهند با ۲۵۰ هزار تومان بن خرید کتاب برای دانشجویان دقیقا چند کتاب می‌توان خرید؟ دانشجو می‌تواند کتاب را در سبد خرید هفتگی یا حتی ماهانه خود داشته باشد؟ آیا هنوز هم می‌توانیم بگوییم علم بهتر از ثروت است؟



دانشجویی یا دانش جویی؟! مسأله این است

دانشجویی؛ چیزی که آموزش و پرورش در پاس کردن درس‌ها با نمرات خوب برایمان خلاصه کرده. اما به راستی چگونه می‌توان دانش را جست؟ در ۱۲ سال تحصیلی ما در حال حفظ کردن اطلاعات بودیم. اما کسی به ما نگفت چگونه علم‌آموزی کنیم؟ مهارت‌های تفکر تحلیلی چیزی بود که بعضا به گوش هیچ‌کدام از دبیران دبیرستان نرسیده بود. حامد صفایی پور، فارغ‌التحصیل دکتری فلسفه علم از دانشگاه تربیت مدرس، سال هاست که این دغدغه را دنبال می‌کند. او بدون حمایت دولتی توانسته، موسسه آموزشی تیزفکری را برای بالا بردن مهارت‌های اندیشیدن تاسیس کند. تیزفکری اعتقاد دارد حل ریشه‌ای مسائل نیازمند «شناخت دقیق وضعیت موجود» و «خلاقیت در دستیابی به اثربخش‌ترین راه حل» است.

دانشجویان اگر بخواهند دانشجو باشند، باید توانایی طرح و پاسخگویی روشمند یک مسأله را در خود بیدار کنند. این روزها دانشگاه‌ها پر شده از فارغ‌التحصیلانی که مدرک‌هایشان در دستانشان است ولی دردی از جامعه دوان نمی‌کنند. انبوهی اطلاعات در مغزشان است ولی نمی‌توانند

آنها را به کار بگیرند. اشکال کار کجاست؟ چرا علم در دانشگاه‌ها مانده و به جامعه سرازیر نمی‌شود؟ حامد صفایی پور بر این باور است که خوشفکری، در انسان بر دواصل «قوه نقادی» و «قوه خلاقیت» استوار است. اما راستی نظام آموزشی ما، چقدر روی پرورش این دواصل تمرکز دارد؟ چند درصد از دانش‌آموزان و دانشجویان ما با این مفاهیم آشنایی دارند؟ شما تابه حال چیزی از این اصطلاحات شنیده بودید؟



درباره تصویر نادرست فضای دانشجویی در

واگنیه یا کیه

تمام دوران کنکور با ولاک‌های انداختند. عکس‌های زشت غذا، فیلم‌های چالش روح، باچادر گلد، تراول ماگ کنار انبوه رفرفس‌های پست‌های سمنارهای علمی را

فاطمه پوراابراهیم

نوجوانه



مقاله‌های شان خواندیم. با تصویری سراب‌گونه در ذهن مان، کوله‌پشتی انداختیم و به سمت شویم. کسی هم نگفت آنجا از این خبرها نیست که باید خودمان مسیر را پیدا کنیم. رسانه گفته دوان، خودمان را به آن برسائیم و چهارزانو بنشینیم و شاهانه از غذا‌های رنگینش تناول کنیم و اینجا به جز خواربار خام، خوراک پخته‌ای نیست. استاد جزو‌های در اختیار می‌گذارد و کس خوابگاه هر روز شکم‌مان را سیر نمی‌کند. و منش مادری در کارش نیست. نصف وقت‌مان بر یاد گرفتن. مقاله نوشتن را قرار نیست توی چارتهای دانشگاه یاد بگیریم و در کلاس‌های دنبالش راه بیفتیم و با هزار زحمت طالب علمش باشیم. اینجا دانشگاه است و ما هم دانشجو



آب و آتش

هیچ کدام از ما آب و آتش نیستیم. اما مسأله از آن جایی شروع می‌شود که بعد از ۱۲ سال درس خواندن در تفکیک جنسیتی و بعد از عمری پیچ‌پچ کردن دوران نوجوانی در مورد جنس مخالف در گوشه حیطات مدرسه، وارد دانشگاه می‌شویم.

محیطی که آنجا محدودیت‌های مختلف ناگهان از میان برداشته می‌شود و همه ما در مقابل موجودی ناشناخته به نام جنس مخالف قرار می‌گیریم.

سال‌های سال است که متخصصان زیادی در رابطه با وضعیت دانشگاه‌ها و مدارس در تفکیک جنسیتی صحبت کرده‌اند و راهکار ارائه داده‌اند و گاهی هم از این طرف و آن طرف بام افتاده‌اند؛ اما گوش شنوا نیست و هیچ‌گاه تغییری دیده نمی‌شود. غالب این پژوهشگران با تفکیک‌های دائمی و مکرر مخالف بوده یا دنبال گنجاندن آموزش‌هایی در این باب، میان برنامه درسی دبیرستانی‌ها بوده‌اند.

